

استیصال ایدئولوژیک در مبارزه ایدئولوژیک!

سوسال امپریالیسم؟ پاسخ ما به این سؤال منفی است. هر که چنین بیندیشد نتوانسته است کنه حقیقت موجود را دریابد. زیرا که رزمندگان در حقیقت به تز سوسال امپریالیسم و مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی در این زمینه حمله میکنند و نه به پیکار. و ما این را در خلال این نوشته قدم به قدم دنبال خواهیم کرد.

اکنون باید دید برخورد رزمندگان نسبت به مسئله سوسال امپریالیسم شوروی نشانه چیست؟ بنظر ما اگرخواهیم در توضیح این مسئله تحلیل خود را محدود به نشریه شماره ۳۳ رزمندگان بنماییم، هرگز نخواهیم توانست به درک عمیقی از مسئله برسیم. از آنرو با اندکی به عقب برگشتن و از گذشته دورتری این مسئله را مورد بررسی قرار داد:

گسترش مبارزه طبقاتی در درون جامعه ما طی سالهای ۵۶ و ۵۷ که منجر به قیام بهمن ماه ۵۷ گردید، وادامه اعلائی انقلابی در دوره پس از قیام، دوره جدیدی از مبارزه طبقاتی را با صف بندی جدیدی از نیروهای طبقاتی بوجود آورد. اگر در دوران رژیم مزدورانه و دیکتاتوری خشن موجود رکود و عدم تحرک طبقات در جنبش، طی دوران طولانی ای باعث آن گشته بود که صف طبقات مختلف خلقی جامعه بصورت فشرده در کنار هم بشود این صفوف از یکدیگر متمایز نگردد، اما گسترش مبارزه طبقاتی و تحولات سیاسی ناشی از آن و سبب سرنگونی رژیم شاهنشاهی، نمیتوانست صف این طبقات را بطور روشن از یکدیگر جدا ننماید. این صف بندی جدید طبقاتی، انعکاس خود را نیز در نیروهای جنبش کمونیستی با قسی میگذاشت و بنا بر گرایشات ایدئولوژیک کونا گونی را در این نیروها بوجود آورد و با تشدید نمودن هر یک از آنها را بسوی منافع طبقاتی خاص خویش سوق داد. در غلطیدن سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) به دام رویزیونیسم، در افتادن "اتحادیه کمونیستها" به دام رویزیونیسم و گرایشات آنها را رویزیونیستی را هکارگر، گواه بارز این حقیقت است.

بدین ترتیب با پیوستن فدائیان (اکثریت) به رویزیونیسم و در غلطیدن اتحادیه کمونیستها به دام رویزیونیسم، صف رویزیونیستها و اپورتونستها در درون جامعه تقویت گشت، تا آنجا که سبب گرایشات رویزیونیستی، دامین بر نیروها را نیز در بر گرفت. تزلزلات و انحراف رویزیونیستی که در برخورد به سوسال امپریالیسم شوروی در اواخر

نگاهی به برخورد رزمندگان نسبت به پیکار در مورد مسئله سوسال امپریالیسم

زدن به مبارزه ایدئولوژیک بر متن مبارزه طبقاتی پرولتاریاست و هر نوع مبارزه ایدئولوژیک که در خدمت برآوردن نمودن تمایلات روشنفکرانه ناسالوم و گروه گرا یا نه قرار گیرد و بدین ترتیب آن جو سالم مبارزه ایدئولوژیک را در جنبش کمونیستی آلوده و تیره نماید، نه تنها در جهت حل معضلات و تشتت ایدئولوژیک جنبش نیست، بلکه به آن بطور جدی آسیب میرساند. ما آموخته ایم که با ضعفهای خود و دیگران برخوردی انقلابی داشته باشیم. ما آموخته ایم که مبارزه ایدئولوژیک را بر متن مبارزه طبقاتی پرولتاریا به پیش بریم و آنرا بسوی راهی تمایلات روشنفکرانه خویش تبدیل ننماییم و همچنان سبزی کوشیم تا با رعایت این اصل که خود میدان معتقدیم، به مضمون و شکل مبارزه ایدئولوژیک رفقای رزمندگان که در نشریه اخیر (شماره ۳۳) آنها آمده است، برخورد نمائیم.

برخورد رزمندگان نسبت به مسئله سوسال امپریالیسم

شاید خواننده از ما سؤال کند که مگر مقاله رفقای رزمندگان با عنوان "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک..." خود نشاندهنده آن نیست که هدف این رفقا در این مقاله، برخورد به شیوه مبارزه ایدئولوژیک پیکار راست و نه مسئله

"بسیار خوب آزادی در شیوه برخورد به مطلب حق مقدس هر فردیست فقط باید برخورد جدی و شرافتمندانه به مطلب را بسا برخورد ناشرافتمندانه فرق گذاشت."

لنین - کائوتسکی مرتد
 "اولین شرط در مبارزه ایدئولوژیک صداقت انقلابی است. صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی اتکا به نوشته و سند و کشف انحراف از آنها و صریح (و غیر صریح - پیکار) نویسنده نوشته، یعنی اتکا به واقعیت، صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک علاوه بر آنکه مربوط به حقیرانه و مذبحا نه برخورد نکردن (و نه تنها این، بلکه غیر کمونیستی و غیر سیاسی و به سبک روشنفکرانه برخورد نکردن - پیکار) را در بر میگیرد." (تاکیدات از ما ست)»
 رزمندگان شماره ۳۳

شاید خواننده با تعجب بپرسد عجب! شما نقل قولهای را که رفقای رزمندگان علیه شما بکار برده اند، نقل کرده اید. مگر انتقاد آنها را به خود قبول دارید؟ بدون تردید نه! آنچه که در اینجا بنا جز اهمیت است اینست که آنچه که رزمندگان بدرستی ذکر میکنند (چه از لنین و چه خودش)، با بدبیا موزد که خود نیز بکار برده، شیوه برخورد ما دقا نه و شرافتمندانه را برای دیگران پسندیدن، اما خود بکار نمیکنند، یک شیوه بورژوازی و غیر کمونیستی است. این همان شیوه ایست که رفیق ما شود را به آن میگوید: مارکسیسم را برای دیگران پسندیدن ولیبرالیسم را برای خود. رفقای رزمندگان گویی شیوه برخورد ما رکیستی را در مبارزه ایدئولوژیک فراموش کرده اند. ذکر نقل قولهای رزمندگان در مورد شیوه مبارزه ایدئولوژیک که درست و صحیح است، شاید بتواند آموزشی یا شایسته برای خود رزمندگان که آنرا فراموش کرده است!

هر کمونیستی که ذره ای صداقت انقلابی داشته باشد (تکیه میکنیم حتی ذره ای) نمیتواند آنچه که رزمندگان در شیوه برخورد به مبارزه ایدئولوژیک علیه ما (و جنبش کمونیستی) صورت داده است، محکوم ننماید، ساکت بماند و خم به ابرو نیاورد. چه هر کمونیستی که تشنه وحدت جنبش کمونیستی است، نیک میدانند که شرط چنین وحدتی، دامن - از این پس همه تاکیدات از ما ست.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

سال ۵۸ در رزمندگان پدیدار گشت، نمونه‌ای از این گرایشات بود، ایجاد شک و ابهام در بناره سوسال امیربالیم از طرف رفقای رزمندگان در آن دوره، ضمن آنکه رویزونیست‌ها را خوشنود میساخت، نمیتوانست برای جنبش کمونیستی زبان آورنبا شد، چراکه این حرکت جدید در صد آن بود که با ایجاد شک و ابهام در برخورد به مقوله سوسال امیربالیم، ترا از زمره اول جنبش کمونیستی و معیار وحدت خارج سازد. رزمندگان از همین دوره بعد است که معتقد میشوند سوسال امیربالیم جز اول جنبش کمونیستی نبوده و معیار وحدت نمیتواند باشد (مراجعه کنید به رزمندگان شماره ۵).

همانطور که میدانیم، این انحراف محدود به رزمندگان نگردد و دیدیم که چگونه این تزلزلات و انحراف حتی برخی از نیروها را به زیر پا گذاشتن اصول کثا نید و به سمت خویش جذب نمود. از آنجمله است سر نوشت گروه "اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر" که بر سبب و اصول دارد مورد مقوله سوسال امیربالیم به زیر پا گذاشتن و حاضر به وحدت ایدئولوژیک (بخوان سازش ایدئولوژیک) با جریانی گردید که سوسال امیربالیم را ملاک وحدت و از اول جنبش کمونیستی نمیدانست. در همین رابطه منگبری برخی دیگر از گروهها نظیر گروه "سرد"، "سکا رخلو"، "انقلابیون آزادی طیفه کارگر" و... جهت وحدت با رزمندگان میتوانست زمینه‌های هر چه بیشتری برای گسترش و تقویت این انحراف در جنبش کمونیستی فراهم آورد که خوشحانه‌ها این نیروها در سر خورد عمیقتر و نزدیکتر با رزمندگان، به درک درستی از این نیرو و مواضع آن نایل آمده و نه تنها حاضر به سازش ایدئولوژیک و زیر پا گذاشتن اصول و خلاصه وحدت با رزمندگان نشدند، بلکه بر عکس با مرز بندی با تزلزلات و انحراف رزمندگان (والیته نه فقط در این زمینه) به مبارزه ایدئولوژیک علیه گرایشات رویزونیستی و تروتسکیستی رزمندگان برخاستند.

اگر چه مبارزه ایدئولوژیک این گروهها علیه انحراف رزمندگان بویژه در برخورد به سوسال امیربالیم برای جنبش کمونیستی ایران امیدبخش بود، اما بلحاظ محدودیت توان عینی و ذهنی اینان در گسترش مبارزه ایدئولوژیک علیه انحراف رزمندگان و محدودیت بردمادی این مبارزات ایدئولوژیک نمی توانست تا شریکافی و همه جانبه ای در شکستن این تزلزلات و انحرافات داشته باشد (روشن است که بهیچوجه منظور کم اهمیت جلوه دادن مبارزه ایدئولوژیک این گروهها با رزمندگان نیست، بلکه سخن بر سر میزان تا شریک آن بدلالی است که از آنها نام بردیم).

مبارزه ایدئولوژیک سازمان ما علیه تزلزلات و گرایشات رویزونیستی و تروتسکیستی

رزمندگان که متأسفانه دیرآغاز گشت (این خود جدا وجود انحراف راستروانه در سازمان ما نبود که البته این تاخیر در رشتا این تزلزلات در رزمندگان نیز بی تاخیر نبوده است)، ضربه کوبنده‌ای بود علیه این تزلزلات، تزلزلاتی که نمیتوانست دامنگیر سایر نیروهای جنبش کمونیستی و بویژه آنها که به نقش ایدئولوژی کم بها میدهند نیز نشود.

سوسال امیربالیم از سوی رفقا، حقیقت دارد و با صرفا مورد ادعای پیکار است؟ (زمینه را برای رشد گرایشات سالم تقویت نمود و برای بسیاری از اعضا و هواداران رزمندگان که فاقد چنین گرایشی بودند، ضرورت موضعگیری انقلابی بر سر مسئله سوسال امیربالیم مطرح گردید.

۴ - سازمان رزمندگان را نیز واداره تغییر

آیا برآستی رزمندگان معتقد است که خرده بورژوازی سنتی مرفه متحد پیکار است؟ و آیا واقعا پیکار برای "درا مان نگهداشتن متحد طبیعی خود" یعنی خرده بورژوازی مرفه سنتی (مسئله نابودی فیزیکی آنرا بهمان کشیده است؟ و آیا نتیجه منطقی چنین اتهامی این نیست که پیکار نیروی ضد انقلابی و ضد خلقی می باشد؟ آیا نیروی ضد انقلابی میتواند متحد طبیعی یک سازمان کمونیستی و انقلابی باشد؟! آخرین به این شیوه و بارزه ایدئولوژیک!!

جهت و تشدید افشاکری علیه سوسال امیربالیم نمود (البته با درکی که خود در قضا از آن دارند و ما آنرا قبلا توضیح داده و با زهم خواهیم داد).

اینها نکاتی مثبتی بود که مبارزه ایدئو - لوزیک سازمان ما و سایر نیروهای جنبش کمونیستی بدان دست یافت و طبیعا انتظار میرفت که رفقای رزمندگان نیز با یک شیوه برخورد کمونیستی به اصلاح گرایشات رویزونیستی تروتسکیستی خویش بپردازند. همه منتظر یا سخ رزمندگان به مبارزه ایدئولوژیک که از سوی جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما مان زده شده بود، بودند. اما رزمندگان با انتشار مقاله "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک... جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما را تا حدی مایوس نمود. برخلاف انتظار، رزمندگان در برخورد به این مسئله، با بکار گرفتن شیوه برخورد غیر کمونیستی، غیر رفیقا نه و از آنهم بدتر غیر سیاسی در مبارزه ایدئولوژیک، بجای پاسخ به مبارزه ایدئولوژیک ما و دیگران، به فحاشی علیه ما پرداخت و بدین ترتیب کوشید:

- ۱ - از موضعگیری آشکار در مقابل مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما در این باره طفره برود.
- ۲ - به بیانه حمله به شیوه مبارزه ایدئولوژیک پیکار، دستاورد مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی را در برخورد به این تزلزلات و انحراف مورد حمله قرار دهد.
- ۳ - اعضا و هواداران خویش را متقاعد سازد که در عرصه این مبارزه ایدئولوژیک، حق به جانب است و این پیکار راست که به اتمام زنی دروغ بردازی، داستان سرایش و... می - پردازد!
- ۴ - و با لایحه همچنان بر سر تزلزلات و انحراف رویزونیستی خویش، بصورت زیرکانه‌ای با فشاری نما بدوختی آنرا عمیق نما بد!

اینک بخش وسیعی از جنبش کمونیستی ایران متحد به مبارزه علیه هرگونه تزلزل در برابر سوسال امیربالیم برخاسته بود. بویژه آنکه سازمان ما چه بلحاظ برخورد همه جانبه تر و بردمادی بیشتر مبارزه ایدئولوژیک و میزان تا شریک در جنبش، ضربه ننگنده‌ای بر این تزلزلات و انحراف رویزونیستی وارد آورد. به همین ترتیب موضع گیری سازمان ما در برابر سوسال امیربالیم در کنگره اخیر برای جنبش کمونیستی ایران (و در اینجا بخش بیکسکرت آن) دارای اهمیت فراوان بود و نمیتوانست مورد استیصال آن قرار نگیرد. همانطور که متقابلا برخی از نیروها نیز بدلیل همان تزلزلات و انحراف رویزونیستی شان نمی توانستند از این موضع گیری، نمکین و افسرده نباشند!

بازی شدت گرفتن مبارزه ایدئولوژیک بخش وسیعی از جنبش کمونیستی علیه هرگونه تزلزل در مقابل سوسال امیربالیم، نتایج گرانقدری را به ما آورد که ذیلا به ذکر مهمترین موارد آن می پردازیم:

- ۱ - باعث آندیده تر شدن و استوار گشتن بخش بیکسکرت جنبش کمونیستی بر سر مقوله سوسال امیربالیم گردید.
- ۲ - تزلزلات و انحراف رویزونیستی در این باره را که آشکارا در حال رشد بودند، به عقب راند و موقتا این گرایشات را در لاک خود بسپرد، بطوریکه راه سکوت را در برابر این مبارزه ایدئولوژیک و بجای برخورد با آن برکزدند و این خود نشان "تعف" و "عقب نشینی" حاملین این گرایشات بود.
- ۳ - در درون جریان متزلزلی که از طریق ایجاد اینها موشک به نفی سوسال امیربالیم میپرداخت، یعنی رزمندگان (امیدواریم که رفقای رزمندگان از این عبارت دچار نشوند) آشفتنی نشوند و اندکی حوصله خروج دهند، چرا که در همین نوشته خواهد دید که آشفتنی

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

ما در این نوشته میکوشیم آنچه را که در سال گذشته موردر بررسی قرار داده و آنرا صرفاً در حد "حکام کلی" نگاه نداریم. بنا بر این ما نوشته اخیر رزمندگان را در دو بخش مورد برخورد قرار میدهیم:

الف - شیوه برخورد رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک و رابطه آن با گرایش رویزیونیستی و تروتسکیستی این رفقا.
ب - مفاصل نوشته رزمندگان، چه آنها که بصورت سؤال از ما مطرح شده و چه آنها که خود این رفقا در دفاع از خویش مطرح کرده اند.



شیوه برخورد خرده بورژوازی رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک

گفتیم هر کس نوشته اخیر رزمندگان (شماره ۳۲) را مطالعه کند، با نا باوری از خود میبرد چرا رفقای رزمندگان اینچنین غیر رفیقانه و غیر کمونیستی برخورد می کنند؟ چرا با کینه و لعن و نفرین به پیکار برخورد میکنند؟ مگر پیکار دشمن طبقه تی رزمندگان است؟ و بالاخره این سؤال را از خود میکنند چرا رزمندگان از برخورد به انحرافات خود طفره رفته است؟

بنظر ما پاسخ روشن است. علت نوع برخورد رزمندگان عبارتست از استیمال ایدئولوژیک در مبارزه ایدئولوژیک، جنبش کمونیستی، انحرافات رویزیونیستی رزمندگان را به انتقاد کشیده و محکوم ساخته است، لیکن رزمندگان بدلیل همان انحراف رویزیونیستی خود شیوه نامناسب در مبارزه خود را در نسبت به مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی پاسخ پرولتری ارائه دهند. رزمندگان از جواب روشن و صریح به مبارزه جنبش کمونیستی طفره میروند و این نشان ضعف و عقب نشینی رزمندگان است. رزمندگان به فحاشی دست میزنند، اما این برخورد از استیمال ایدئولوژیک نشئت میگیرد. جنبش کمونیستی، رزمندگان را با ظروم وضع انحرافیشان در قبایل رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم به انتقاد کشیده است، اما رفقای رزمندگان بدلیل همان انحراف ایدئولوژیک رویزیونیستی تروتسکیستی و عدم انتقاد پرولتری از مواضع خود قادر به پاسخگویی صریح و کمونیستی نمی باشند. جنبش کمونیستی جای حساس را نشان نرفته است و به این دلیل رزمندگان فغانش در آمده و با هیاهو و ناشکیبائی به دفاع از خویش برخاسته است.

ممکن است خواننده مقاله مزبور رزمندگان را با تعجب از شیوه برخورد رزمندگان که سراپا تحقیر و تمسخر و توهین است یاد کند. اگر چنین خواننده ای برای اولین بار است که به نوشته های رزمندگان برخورد نموده، در تعجب خویش بی تقصیر است، اما اگر او نوشته های قبلی رزمندگان را نیز مطالعه

کرده باشد، درخواهد یافت که این شیوه خاص مبارزه ایدئولوژیک رزمندگان است. متأسفانه رفقای رزمندگان نه تنها شیوه برخورد و مبارزه خود را اصلاح نکرده اند، بلکه روز بروز نیز آلوده - تر گردیده اند. بنظر ما نوشته جدید رزمندگان در سبک برخورد خود مرتازهای نیست. این سیاست، ادامه نوشته های قبلی رزمندگان و بموازات انحرافات این رفقا وجود داشته است. نگاهی به شیوه برخورد رزمندگان در گذشته این حقیقت را نشان میدهد. رزمندگان در نشریه شماره ۸ خویش در تحلیل از برخورد سازمان نسبت به مسئله قطع رابطه هیئت حاکمه ایران با آمریکا در مقاله ای تحت عنوان: "پیکار: اجتناب از مبارزه طبقاتی" مینویسد:

"اکنون بنظر میرسد که این سازمان پیکار است که با اعلامیه شماره ۶۷ خود: "قطع رابطه آمریکا با ایران و موضع هیئت حاکمه... "ستین بالا زده است تا از فروری توهم توده ها و انفرادیست حاکمه جلو بگیرد. ساده پنداری سازمان پیکار..."

براستی رفقا، "ساده پنداری" ما با عیبت گذشته تا به کمک هیئت حاکمه ارتجاعی بشتابیم یا آنکه ما "ستین بالا زده ایم"؟ آیا ما نیروی ضد انقلابی و رویزیونیست می باشیم که "ستین بالا زده" تا جلوی انفرادیست حاکمه و فروری توهم توده ها را بگیریم؟ چه ما معتقدیم پورتونستها و بطور مشخص رویزیونیستها اکثریت و حزب بوده امروز "ستین بالا زده" تا از فروری توهم توده ها و انفرادیست حاکمه جلوگیری نمایند. ممکن است موضعگیری سیاسی نیروی عملاً به چنین نتیجه ای منجر شود، اما این غیر اصولی است که گفته شود این نیرو "ستین بالا زده" است. رزمندگان در همان مقاله در ادامه برخورد توهین آمیز و غیراالمش به تمسخر و تحقیر سازمان ما می نشیند و با طعنه میگوید:

"بورژوازی لیبرال "بخشا مرتجع" را به بورژوازی لیبرال "مترفی شده..." (همانجا) و با مطرح میکند که:

"اعلامیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که بیشتر به نشریات و نظرات سازمان مجاهدین" مانند است تا یک سازمان م. ل." (همانجا).

رفقای رزمندگان، سبک شما در مبارزه ایدئولوژیک آیا موازین کمونیستی را رعایت می کند؟ رفقا جواب بگوئید در کجا سازمان از بورژوازی لیبرال بخشا مترفی نام برده است؟ آیا برای شما روشن نیست که سازمان ما در آن موقع که به بورژوازی لیبرال "بخشا مرتجع" معتقد بود بخش دیگر بورژوازی لیبرال را ضد انقلابی میدانست. آیا این مسئله با صراحت تمام در مقاله زیگراگیا و سایر نوشته های ما منعکس نیست؟ شما ما را متهم به دروغ پردازی و تحریف می کنید، ولی خود قضاوت کنید چه کسی چنین می کند؟ براستی رفقا، اعلامیه ما بیشتر به نظرات مجاهدین شبیه است تا به نظرات یک سازمان

ما رکیستی؟ آیا کدما مسند و درک و توضیح و مقابله این را نشان دادید؟ بدنبود مقابله ای بیسبب اعلامیه سازمان و مجاهدین میگردید تا حکمتان شایب شود. آیا این شیوه برخورد صادقانه و کمونیستی است؟ آیا با بیکار بردن کلمه تمسخر آمیز بورژوازی "بخشا مترفی" طرفی میتوان بریست؟ میتوان به مقصودنا ثل گشت؟ آیا این شیوه برخورد تمسخر آمیز و نامشمال را ارضای می کند؟ آیا شما می - بندارید میتوان با تحریف نظرات دیگران، با زخم زدن، برخورد تحقیر آمیز و نامشمال، معضلات جنبش را حل نمود؟ نه، هرگز! این شیوه برخورد غیر کمونیستی جزیره زدن به جنبش کمونیستی نتیجه دیگری ندارد. رفقا آیا شیوه کار شما مارکسیسم را برای دیگران بسنیدن و لیبرالیسم را برای خود بسنیدن نمی باشد؟ آیا با چنین برخوردهائی "سهم عمده در رشد مبارزه ایدئولوژیک جنبش" داشته اید؟

رزمندگان حتی به این شیوه برخورد بسنده نمی کنند و در جای دیگری نویسد:

"پیکار برای درامان نگهداشتن متحد طبیعی خود و نه متحد طبیعی انقلاب ما یعنی خرده - بورژوازی سنتی مرفه از دم تیغ انقلاب..."

ما بودی فیزیکی را بماند می کند. (رزمندگان ۲۵، مقاله اطربال) آیا براستی رزمندگان معتقد است که خرده - بورژوازی سنتی مرفه متحد پیکار است؟ و آیا واقعاً پیکار برای "درامان نگهداشتن متحد طبیعی خود" (یعنی خرده بورژوازی مرفه سنتی) مسئله نام بودی فیزیکی آنرا بماند کشیده است؟ و آیا نتیجه چنین است که می این نیست که پیکار نیروی ضد انقلابی و ضد خلقی می باشد؟ آیا نیروی ضد انقلابی میتواند متحد طبیعی یک سازمان کمونیستی و انقلابی باشد؟! آفرین به این شیوه مبارزه ایدئولوژیک!! رزمندگان چه خوب از لنسین نقل می کند:

"بسیار خوب آزادی شیوه برخورد به مطلب حق مقدس هر فردی است، فقط با بدبزر خورد جدی و شرافتمندانه به مطلب را با بر خسورد تا شرافتمندانه فخری گذاشت."

ایکاش رزمندگان خود چنین شیوه ای را فراموش نمی کرد!

رزمندگان در جای دیگر در رابطه با نظرات مادر مورد سرما به داری و ایسته می نویسد:

"اگر واقعاً پیکار در این زمینه ها تحلیلی فراهم کرده است، نیک است که آنها را در سطح جنبش منتشر سازد تا جریانی نامند ما از ضلالت و گمراهی نجات یابد و به طریق مبین رهنمون شود! حتی اگر تحلیل ها در سطحی نیستند که قابل انتشار باشند، بجا است که رفقای پیکار آنها را لااقل در اختیار ما بگذارند تا از انحراف راهبرده شومیم. آنطور که از نوشته های پیکار بر میآید پیکار رهیب تحلیل مشخصی از این موضوعات ندارد و بلکه بر روی هوا سفق میزند."

رزمندگان میگوید با بد تحلیل داد:

"نه اینکه با حدس و فرض پیشگویی نه و ما لانه به غلط در پس ظاهر مواضع، غولهای بی شاخ و دم ردیف کرده و بزور حدس و تقریب نسبتی شی را وارد کرد" (شماره ۲۲).

آیا برآستی رزمندگان با بکار بردن و نسبت دادن الفاظی مانند "رما لانه" و "پیشگویی نه" ردیف نمودن غولهای بی شاخ و دم، سقف زدن روی هوا، برخورد کمونیستی و رفیقانه میکند؟ آیا رزمندگان آنچه استه شیوه برخورد است یعنی متانت و ولتتری را در مبارزه ایدئولوژیک خویش رعایت میکنند؟ واقعیت این است که چنین نیست. آری این واقعیتی است که جنبش کمونیستی نیز به آن اذعان دارد. البته پرواضح است که از نظر ما این انحراف رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک را بطله مستقیمی یا انحرافات ایدئولوژیک آنان دارد. هرکسی که این فکر کند به جراه افتاده است. گرایش تروتسکیستی در این رفا نمیتواند انحراف چپروانه و ناسلام را در سبک مبارزه ایدئولوژیک آنان بیابا رنیا آورد. بعد از زنگسره گذشته رزمندگان و روشنگران تروتسکیستی - رویزیونیستی در برخورد به سوسیال امپریالیسم ساخت جا معه، قدرت سیاسی، وحدت و... ایمن گرایشات انحرافی نمی توانست در شیوه مبارزه ایدئولوژیک نیز بروز نمایند. این شیوه مبارزه و روشنگرانهاست. و در خدمت وحدت جنبش کمونیستی تمیبا شد. و با لعن در جهت به آنتا گونیسم کشیدن کاذب مبارزه ایدئولوژیک قرار دارد. چنین است که میگوئیم شیوه برخورد رزمندگان در نوشته اخیرش را نیا پدیدیده جدید و غریبی دانست. چه دامه منطقی برخورد های انحرافی رزمندگان، چنانچه اصطلاح نمی گشت (که نگشته است) ناگزیر پدیدینجا کشیده میشد که در برخورد اخیرش ماثا هده میکنیم. آنچه در برخورد اخیر رزمندگان تا زگی دارد، همانا عمق یا بی بیش از پیش گرایشات انحرافی اوست (و البته نه فقط در شیوه، بلکه در مضمون نیز این انحرافات تشدید شده است).

اکنون به بررسی شیوه برخورد رزمندگان در نشریه شماره ۳۳ رزمندگان "بیردا زیم" تا عمیق تر شدن انحراف بورژواشی رزمندگان را نشان دهیم.

رزمندگان درس شیوه مبارزه ایدئولوژیک می دهد

در نوشته اخیر، رزمندگان مدعی است که به تز سوسیال امپریالیسم شوروی اعتقاد کامل دارد و بیکار به دروغ میگوید که رزمندگان این تئوری را قبول ندارد. سپس در رد مدعای بیکار از برنامہ رزمندگان دو نظر وجود دارد "ما موضع سازمان، سوسیال امپریالیسم میباشد." و "ما اضافه میکند که: "ما در مقاله خود بنام "راه کار و روش" مباحث از: "کلیسه رویزیونیستی از ما رکبیم" صحبت از: "کلیسه دست اندر کاران ما جای افغانستان اعم از

سوسیال امپریالیستهای روسیه... کرده ایم و در آخری مقالات خود "لهستان، کارگران بر علیه رویزیونیسم" و درباره اتحاد عمل، در مورد سوسیال امپریالیسم سخن گفته ایم و با لایحه رزمندگان جمع بندی میکنند که بیکار دروغ میگوید و "شیوه مبارزه ایدئولوژیک بیکار را نتاب دروغ و سفاقت به دیگران و سپس رد آن است." (رزمندگان شماره ۳۳) سپس رزمندگان با ذکر نقل قول لنین که میگوید:

"... با بد برخوردی جدی و شرافتمندانه به مطلب را با برخورد نا شرافتمندانه فرقی گذاشت." در پی آن است که به خواننده لقا کند که شیوه برخورد بیکار را شرافتمندانه است و در ادامه "موزش" مبارزه ایدئولوژیک بما، میگوید:

"اولین شرط در مبارزه ایدئولوژیک صداقت انقلابی است، صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی اتکا به نوشته و سند و کشف انحرافات از اظهار صریح (و ما انقاصه میکنیم همچنین از اظهارات غیر صریح - بیکار) نویسنده نوشته یعنی اتکا به واقعیت... (همانجا) بدین ترتیب رزمندگان شیوه برخورد مارانه تنها نا شرافتمندانه میخواوند، بلکه "دروغین"، "فاقد صداقت انقلابی"، "حقیرانه"، "مذبوحانه" برخورد کردن و "ناشی از انحرافات انگیزه ای" در مبارزه ایدئولوژیک میخواوند برای آنکه برای خواننده سو، تفاهمی پیش نیا بد توضیح میدهد که "ما مخالف مبارزه ایدئولوژیک بر سر سوسیال امپریالیسم نیستیم، اما مخالف آن هستیم که اولاً بطور غیر رفیقانه و غیر کمونیستی مسائل را در جنبش طرح نمائیم فقط بابت باعث سردرگمی میشود. (مثل انتسابات رفقای بیکار بما). (همانجا).

معنای حرف رزمندگان چیست؟ مضمون این حرف بدان معنی است که اولاً خود رزمندگان شیوه برخورد رفیقانه و کمونیستی در پیش میگیرند و مخالف شیوه غیر رفیقانه است (البته لابد همین آخری مقالات را نظر رزمندگان برای جنبش کمونیستی نمونه ها هکاری از شیوه برخورد کمونیستی است!) و نا نیا بیکار با این شیوه برخورد غیر کمونیستی و غیر رفیقانه که در شماره بر سر سوسیال امپریالیسم قلم زده است با انتساب ناروا به رزمندگان فقط به ابا سردرگمی کمک کرده است.

رزمندگان که شدیداً عصبانی و ناراحت بنظر میرسد، شماره بی در پی مبارزه ایدئولوژیک بیکار بر سر تزلزلات رویزیونیستی رزمندگان را داستا نسراشی و تئوری با فی پوچی میخواوند که بیکار برای نشان دادن آن در رزمندگان تلاش میکند "پس از این، داستا نسراشی و تئوری با فی پوچی را تا ز کرده است تا مگر بدینوسیله وجود رویزیونیسم در ما وانعکاس آن را در مبارزه ما در جنبش و تکتیکهای ما نشان دهد." (همانجا).

چرا رزمندگان مبارزه ایدئولوژیک بیکار را داستا نسراشی و تئوری با فی پوچی خوانند؟ زیرا معتقد است که در هیچ کجا رزمندگان به رد تئوری

سوسیال امپریالیسم نپرداخته است و طرح آن از جانب بیکار را ز جمله دروغ گوئی ها و داستا نسراشی های بیکار است.

رزمندگان بیکار را متهم به شایعه پراکنی میکنند، چرا که بزعم وی بیکار رسندی در نشان دادن "رد تز سوسیال امپریالیسم از جانب رزمندگان" ارائه نکرده است. او میگوید:

"بنا بر این، بیکار با استناد به کذا متحلیلی با کذا مبررسی ارائه شده از طرف ما اظهار میدارد که ما سوسیال امپریالیسم را رد کرده ایم؟ آیا این توشل به شایعه پراکنی در مبارزه ایدئولوژیک چه معنایی دارد؟ (همانجا) و همچنین میگوید که به خواننده نشان میدهد که:

"ما هم بنویسه خود از مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش کمونیستی و درباره تکتیک و استراتژی پرولتاریای جهانی استقبال میکنیم و بدان خواهیم پرداخت."

و با باز بیان بی زبانی میگوید که دلخوری خویش را از این "شیوه" مبارزه ایدئولوژیک بیکار نشان دهد، چه بلا فایده است که میگوید:

"اما این مبارزه تنها زمانی میتواند سودمند و مفید باشد (ما ننند مبارزه ایدئولوژیک در عرصه های دیگر که انگیزه آن نمایان ساختن راه صحیح پیروزی پرولتاریا باشد و در آن صورت است که برده کلی گوئی ها و اظهار نظر های فیلسوف ما بیا نه و در عین حال کودکا نه کنا رفته و واقعیت پدیدها خود را نشان میدهد." (همانجا).

رزمندگان با نا راحتی میپرسد که چرا ما در بیکار به پذیرش سوسیال امپریالیسم از طرف رزمندگان اذعان داشته ایم و جای دیگر به رد آن پرداخته ایم (بیکار ۶۹ و ۷۰ را مقایسه میکنند) و چنین شیوه برخوردی را از طرف بیکار رنه تنها کمونیستی نمیداند، بلکه شیوه دشمنان کمونیستها میداند:

"چرا بیکار برای مبارزه با ما ابتدا موضعی دروغی خودش اختاره با ما منسوب میکند و سپس به رد آن میپردازد. این شیوه یعنی انتساب دروغ و سفاقت به دیگران و سپس رد آن شیوه کمونیستی نیست" و "فقط از دشمنان کمونیستها برمی آید." (همانجا)

بدنبا ل آن رزمندگان ضمن بمیان کشیدن "۱۵۰ سال مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی" که خود را نیز "وارث" آن میدانند معتقد است:

"دومین کاری که بیکار کرده است یعنی پس از دورخ نخستین، انتساب سفاقت به مخالف خود است. این سفاقت اعتقاد داشتن به نظام تولیدی جدید است." (همانجا).

رزمندگان سپس با اعتراض به این برخورد بما "موزش" میگوید:

"تعیین موضعی سفاقت آمیز که مبتنی به فروریختن ما تریالیسم تاریخی و منطبق کا پیتال ما رکن و امپریالیسم لنین میباشد برای دیگران و سپس رد آن چیزی است که لنین درباره اش میگوید: (وجه خوب، گوئی

رفقای پیکار را در برابر خود دارد) "نسبت دادن یک سفاقت آشکاره مخالفین خود و سپس رد آن شیوه افرادی است که چندان عقل درستی ندارند" (لنین، کاتوتسکی مرتد) (همانجا) بدین ترتیب رزمندگان "درس مبارزه ایدئولوژیک" می آموزد، او میگوید: "اولا ما عقل چندان درستی نداریم و ثانیا مبارزه ایدئولوژیک بین ما و خودشان همچون مبارزه ایدئولوژیک کاتوتسکی ولنین است و ما همچون کاتوتسکی به مخالف خود انتساب سفاقت می دهیم و رزمندگان همچون ولنین به رد این شیوه می پردازد!"

رزمندگان که همچنان مخالف برخورد غیر کمونیستی و غیررفیقانه است، به پیکار می آموزد که برخورد های "ساده لوحانه" اش بسودر و بیونیستی پایا ن یافته است :

شماره ۱۰۲ - پیکار شماره ۶۹). (همانجا) آبا و ااقار رزمندگان مبنای متدلوژییک پیکار را همچون سه جانی ها میداند؟! آبا این همان شیوه برخورد ما کما ولستی روبرویونستهای اکثریت نیست که برای تخطئه م. ل. ها میگویند: "سه جانی ها میگویند "سوسال امیرالیسم" شما (منظور م. ل. ها است) میگویند "سوسال امیرالیسم"، پس شما و آنها هیچ تفاوت کیفی در عمل وجود ندارد" (نقل بمعنی از کارلسلسه

همه منتظر پاسخ رزمندگان به مبارزه ایدئولوژیک که از سوی جنبش کمونیستی و از جمله سازمان مادا من زده شده بود، بودند. اما رزمندگان با انتشار مقاله "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک... جنبش کمونیستی و از جمله سازمان اتحادی ما برس نمود.

"ما نمونه های متعددی را از اینگونه برخورد - های رفقای پیکار در ابریم که نه تنها از موضعی اصولی انجام نشده، بلکه به طرز ساده لوحانه بسودر و بیونیستیها خاتمه یافته است."

و بعد از ذکر ادله و امثله ها که بی‌میزم خود، نشان داده لوجی پیکار در مبارزه ایدئولوژیک است، میگوید "سومین مشخصه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک" را که همانا به همه چیز تا ختن، بدون اینکه درک عمیق و دقیقی از مسائل داشته باشد" را نشان دهد. بزعم رزمندگان از اظهار نظره های پیکار خواننده را از "تیر مدعا ئی" حیرت زده میکند و آنگاه رزمندگان به فکر فرو می رود که چرا :

"رفقای پیکار با بد در مبارزه ایدئولوژیک عقلی در کینوتی که فقط با اوها موتخیلات خود به جنگ می رود، تا این حد اعتبار و ارزش مبارزه ایدئولوژیک را، تهیم با توسل بسفادروغ و انتساب سفاقت و اظهار نظرها ئی که جدا انسان را به فکر فرو میبرد (مثل نمونه - ها ئی که گفتیم) پاشین بیاورند". (همانجا) والبتنه معطل نمی ماند و "عجالتا" بسک علت ذکر میکند (تا بعد) و آنها این است که :

"پیکار خود را نیروی تعیین کننده جنبش کمونیستی میداند، پس با بد در مبارزه همه چیز اظهار نظر نماید. حتی اگر هیچگونه دلیلی برای آن آرا نداشته نماید... بهمین علت رفقای پیکار بدون اینکه کوچکترین تلاشی در توضیح دقیق تز سوسال امیرالیسم، بررسی شرایط تاریخی پیدا بش آن، مرز بندی آن با سه جانی و غیره کرده باشند، ترجیح میدهند که ابتدا آن را بمنا به املی الهی و آسمانی بایک قضیه اصولی هندسی بپذیرفته و سپس دیگران را - که درک عمیقتری از مشکلات و ابهامات این تدارکند - به رد آن متهم نموده... ومشتی کلیات را بر سر آنها بگویند". (همانجا)

البته رزمندگان "تاما ما با استناد به نقل قول وسند مدرک" این حدسیات خود را در مورد علت این نوع برخورد پیکار و اعتقادش به "الهی" بودن این تز... ثابت میکند، چه رزمندگان "عادت" ندارند که "اتهام بزنند"، "دروغ بگویند" و "برخورد

غیررفیقانه و غیر کمونیستی" بنماید! رزمندگان برای وارد آوردن دومین ضربه (اولین ضربه را موقع همتادکردن پیکار رو کاتوتسکی "بی عقل" بزعم خویش وارد آورد) میگوید همزبانی خاشنین ضد انقلابی "جزیرنجبران" را با پیکار نشان دهد! و میگوید: "بیهوده نیست که رنجبران را گان سه جانی ها در شماره ۱۰۲ خود کلی باقی های پیکار را بر علیه ما نقل میکند، آنقدر کلی باقی که رنجبران این سر سخت ترین مبلغ سوسال

شماره های مربوط به رد سوسال امیرالیسم (آری، این است شیوه برخورد "رفیقانه و کمونیستی و شرافتمندانه"، رفقای رزمندگان در ادامه تحلیل های "عمیق" و "مستدل" و "مستند" خویش میگویند :

"پیکار که شناخت مارکسیستی را اساسا از زاویه ای دیگری شناسد و معتقد به نوعی دیگر شناخت است، برخلاف راه رسم متداول در مارکسیسم استدا حکم میدهد و بسعد در بی اثبات آن است پیکار به شیوه ای اشرافی و افلاطونی بدون آنکه ذره ای جای بحث باشد میگوید: اگر سوسالیسم نیست پس امیرالیسم است و انتظار دارد، خواننده نیز به سبک ایده آل لیست ها بگوید: آری همین است... این با آن "شعار شناخت پیکار رجنین است. وقتی پای تحقیق و تحلیل به پیش می آید برعکس با ساده لوحی و ندامت کاری آشکار میگوید: روبرویونسیم جا کم است پس سوسال امیرالیسم است... پیکار بنا متدلوژی خود که عبارت است از تحلیل

امیرالیسم سه جانی هم آنها را بستند و ترجیح داده است از زبان پیکار رسما حمله کند تا پیکار را نیز تلویحا تا شید کرده باشد. رفقا! شیوه خوبی است! بالا چهار رنعل سه پیش!" (همانجا)

رزمندگان اول با مبارزه ایدئولوژیک که "معمول" خود است، نشان داد که حزب رنجبران، پیکار را تلویحا تا شید می کند! و ثانیا پیکار چهار رنعل به پیش سمت حزب رنجبران میتازد! (همزبانی پیکار و رنجبران در جمله به تزلزلات رزمندگان نیز گواها این واقعیت است!!!)

واقعا چه نیکی است بین برخورد شرافتمندانه و کمونیستی و برخورد غیر شرافتمندانه که فـسـرق گذاشتن! آبا این شیوه استدلال روبرویونستهای خاشن حزب توده و شرکا نیست که مرتبا به م. ل. ها گوشزد میگردند: امیرالیسم غرب، شوروی را تجا و زکا رو توسعه طلب و امیرالیست میداند، شما نیز همان اتهام امیرالیست ها را میزنید، چه فرقی بین شما و امیرالیستها است؟! (نقل به معنی از بسوی حزب) ویا: رژیم جلاد شاه، نیز دشمن سر سخت حزب توده است، شما (منظور کمونیستهاست) نیز با حزب توده دشمنی و عناد می ورزید! آبا این نشانه همزبانی شما با رژیم نیست؟! (نقل بمعنی از همانجا). با چریکها نیز در در نظرات م. ل. ها در مورد بطلان مٹی چریکی می گفتند: رفرمیستها و روبرویونستهای مٹی چریکی را رد میکنند، شما نیز (منظور م. ل. ها است) چنین می کنید. آبا این نشانه هنده متدلوژی یکسان شما نیست؟ آبا این نشان نمیدهد که یک چیز را می گوئید؟ آری رزمندگان که مخالف سر سخت برخورد "غیر رفیقانه و غیر کمونیستی" است، شیوه برخورد روبرویونستهای را در پیش گرفته است و برای تخطئه نظرات پیکار، میگوید این نظرات را مبنای متدلوژیک سه جانی ها جلوه دهد! و با میگوید:

"شخص لازم نیست: این با آن... (همانجا) بسیار خوب! دیدیم که رزمندگان چگونه بدون "انتساب دروغ و سفاقت بدیگران و سپس رد آن"، بر اساس اظهار ت صریح نویسنده و با نقل قولهای فراوان به شیوه ای کاملا غیر مذوحانه و غیر حقیرانه جوهر تحلیل و شناخت پیکار را اثبات نمود! روشن شد که: الف - پیکار ذره ای جای بحث نمی بیند (نمونه ای از صداقت انقلابی رزمندگان) ب: شعار شناخت پیکار رجنین است با این و با آن یعنی افلاطونی و اشرافی و سر

"بیهوده نیست که ما می بینیم اصول متدلوژیک پیکار را رنجبر شماره ۱۰۲ بعنوان مبنای مورد قبول خود تکرار می کند "در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکاکیت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسال امیرالیسم تظا هر پیده کرده است" - رنجبر

مشخص لازم نیست: این با آن... (همانجا) بسیار خوب! دیدیم که رزمندگان چگونه بدون "انتساب دروغ و سفاقت بدیگران و سپس رد آن"، بر اساس اظهار ت صریح نویسنده و با نقل قولهای فراوان به شیوه ای کاملا غیر مذوحانه و غیر حقیرانه جوهر تحلیل و شناخت پیکار را اثبات نمود! روشن شد که: الف - پیکار ذره ای جای بحث نمی بیند (نمونه ای از صداقت انقلابی رزمندگان) ب: شعار شناخت پیکار رجنین است با این و با آن یعنی افلاطونی و اشرافی و سر

آقایان با کدام تحلیل اینطور سخن می گویند: "تحلیل اولیه چین؟ تحلیل سه جانی ها؟ تحلیل بنلهایم؟ تحلیل آلیا نی؟ تحلیل بورژوازی اروپا و آمریکا؟ (همانجا)

مشخص لازم نیست: این با آن... (همانجا) بسیار خوب! دیدیم که رزمندگان چگونه بدون "انتساب دروغ و سفاقت بدیگران و سپس رد آن"، بر اساس اظهار ت صریح نویسنده و با نقل قولهای فراوان به شیوه ای کاملا غیر مذوحانه و غیر حقیرانه جوهر تحلیل و شناخت پیکار را اثبات نمود! روشن شد که: الف - پیکار ذره ای جای بحث نمی بیند (نمونه ای از صداقت انقلابی رزمندگان) ب: شعار شناخت پیکار رجنین است با این و با آن یعنی افلاطونی و اشرافی و سر

و آبرای رزمندگان روشن نیست که ما با تحلیل سوزوای آمریکا و اروپا و سهجانی ها تزسوسال امیرالیم را قبول داریم یا با تحلیل دیگری؟! البته رزمندگان ابرادوار نیست اگر ندانند که تحلیل ما از سوسال امیرالیم منطبق بر نظرات آلمانی، بتلها سمورفقای ما رکیست لنینیست چن است تا نظرات دیگری، ولی آبا رزمندگان واقعا نمی دانند که تحلیل ما با سوزوای امیرالیم است آمریکا و اروپا و سهجانی ها فرق دارد؟ آبا برای کله کله کومونیستها حتی نیروهای مترزایی چون "راه کارگر" روشن نیست که تحلیل نیروهای خط ۳ از سوسال امیرالیم با تحلیل سوزوای آمریکا و اروپا و سهجانی ها فرق دارد؟ بروا صخ است که نمایندگان سوزوای آمریکا و اروپا در دفاع از امیرالیم غرب، در سنگر قایت با سوسال امیرالیم بمنظور تخطئه کومونیم است که اصطلاح سوسال امیرالیم را بکار میبرد. سهجانی ها نیز از موضع رقابت جویانه دو سوزوای و در دفاع از امیرالیم آمریکا و اروپا و در سازش با سوزوای و از موضع ضد پرولتری اصطلاح سوسال امیرالیم را بکار میبرند. آبا در دفاع از خزعبلات "امیرالیم میرنده آزیکسا" و "امیرالیم با لنده شوروی" نشان میدهند که فاند درک علمی از مقوله امیرالیم که دوران میرندگی و گندیدگی سرما به داری است می باشند و "امیرالیم با لنده" سهجانی ها همانی تیز احقانه ای است که منطبق بر تهرات رویونیستی کائوتسکی، مبتنی بر "اولترا امیرالیم" است و این نظرا لحاظ ایدئولوژیک نیز برپا به خیانت به پرولتاریا و انقلاب و خدمت به سوزوای است که به "سوسال امیرالیم" معتقد است. آبا مقایسه تحلیل ما از این مقوله با تحلیل سوزوای آمریکا و اروپا و سهجانی ها "برخورد شرافتمندانه و صادقانه" است؟! رزمندگان گستاخی ربه آنجا میکشاند که میگوید: "پیکار میگوید: "من همه چیز را میدانم" و وقتی دهانش را بازمیگردد فقط تکرار میکند سوسال امیرالیم است... خلاصه سوسال امیرالیم است چون سوسالیم نیست، دلایل: همان چیزهایی که هر روز میتوان در ستون روزنامه های جمهوری اسلامی، رنجبران و انقلاب اسلامی پیدا کرد. تحلیل: زورنا لیم سوزوای " (هما نجا) کافی است ذره ای صداقت در کار باشد، ذره ای متانت پرولتری در کار باشد، تا از اینهمه برخورد غیر سیاسی، نا هنجار و تحریف آمیز خودداری نمود. آبا هر خواننده ما دقی آنچه را که پیکار تا کنون در تحلیل از سوسال امیرالیم گفته است (چه در برخورد به فدائیان، چه در برخورد به رزمندگان، چه در ترجمه هایی که در مورد شوروی نموده است، چه در وقایع و آمارهایی که از

شوروی ارائه داده است) - اگر چه بسیار محدود است - همانی است که در روزنامه های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و رنجبران میخوانند؟! این همه کینه توزی رزمندگان نسبت به سوزوای امیرالیم شوروی (با به شیوه برخورد پیکار؟) ناشی از چیست؟ آبا بعدا توضیح میدهم. رزمندگان همچنان به برخوردهای "رفیقانه" "آموزشی"، "کمونستی"، "مستند"، "مستدل"،

می بینیم، اما شما را رویونیست نمی دانیم. "جه یک انحراف هتوزیک جریان تمام عیار نیست. چیزی است که هنوز میتواند اصلاح گردد" (نقل بمعنی از انحراف آنا رکوئندیکا لیستی در حزب ما - لنین) ما فدائیان (اکثریت) را رویونیست میدانیم، یعنی آنها مرتد گشته اند و دیگر جزو جنبش کمونیستی نیستند، اما شما دچار انحراف هستید، نکنند این بدیهیات را هم نمیدانند و باید

رفقای رزمندگان نه تنها شیوه برخورد و مبارزه خود را اصلاح نکرده اند، بلکه روز بروز نیز آلوده تر گردیده اند. بنظر ما نوشته جدید رزمندگان در سبک برخورد خود امر تازه ای نیست این سیاست، ادامه نوشته های قبلی رزمندگان و بموازات انحرافات این رفقا وجود داشته است. نگاهی به شیوه برخورد رزمندگان در گذشته این حقیقت را نشان می دهد.

البته پروا صخ است که از نظر ما این انحراف رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک رابطه مستقیمی با انحرافات ایدئولوژیک آنان دارد. هر کسی بجز این فکر کند به گجراه رفته است. گرایش تروتسکیستی در این رفقا نمی تواند انحراف چپروانه و ناسالم را در سبک مبارزه ایدئولوژیک آنان به بار نیاورد.

"بدون تحریک"، "بدون دروغ برداری" و... ادا می دهد:

"تغی پیکار از پدیدده در پرده شناخت، نفسی دیالکتیکی نیست، نفسی ساده و مکانیکی است... پیکار در حالیکه هرگز یک تحلیل جدی، عمیق و اساسی ربه جنبش کمونیستی ارائه نداده است، با اصرار تمام قریا میزند: "ما می گوئیم سوسال امیرالیم! پس مسئله روشن است. تحلیل نمیخواهد. رزمندگان هم که میگویند تحلیل کنیم، رویونیست وجه بسا سوسال امیرالیم است! و این را میتوان در همه جا دید، در تاکتیک های مبارزاتی رزمندگان هم بصورت دیدا تحرافی در باره شوروی رویونیسم وجود آمده است." این است شیوه پیکار در تحقیق علمی و مطالعه مارکسیستی - لنینیستی پدیدها هر چیزی این نیست - آن است - تحلیل نمیخواهد (هما نجا).

آبا شما آموخت! آبا آنکه میداند و بداند جنبش تحریف آشکاری میکشید با مظلوم نمایی، بلکه برک برنده ای بدست آورید!

رفقا! در خلال چند سطر چگونه "تحلیل" نمودید که شیوه پیکار را شناخت مکانیکی است نه دیالکتیکی و آنرا مشخصا در مورد سوسال امیرالیم نشان دادید و می گوئید: پیکار مطرح میکند "ما میگوئیم سوسال امیرالیم، پس مسئله روشن است تحلیل نمیخواهد"... اگر چه شما کوچکترین تلاشی در جهت اثبات حکمتان با "دلیل"، مدکویا نکا، به "اطهارات صریح نویسنده (خودتان معتقدید که صداقت در مبارزه ایدئولوژیک یعنی این صورت نداده اند، اما حرف خود را زده اند. رزمندگان با نقل قول از انگلس در مورد این امر که "مارکس در نظر ندارد که چون این جریان رانفی در نفی مینامد، از اینرو میخواهد آنرا بعنوان ضرورت تاریخی به اثبات برساند" و ذکر این نکته که: "لابد با برما ثلی را که مارکسیستها برای نخستین بار به آنها پرداخته اند، در واقع بطریق غیر علمی (از نظر پیکار) مورد در حقیقت میخواستند با زبان بی زبانی بگوید مسئله سوسال امیرالیم مسئله ای نیست که ثابت شده باشد، بلکه مورد تحقیق است. چه، استنتاج میکنند که پیکار همان برخوردی را که نسبت به سوسال امیرالیم میکنند لادینست به ما برما ثلی که مارکسیستها برای نخستین بار به آنها پرداخته اند، صورت میدهد، یعنی آنرا غیر علمی میدانند!

رفقا! چه می گوئید؟ نکنند خیال می کنید سوسال امیرالیم مسئله ای است که اثبات

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

نشده است و برای نخستین بار با ایده آن پرداخته رزمندگان برخوردار کرده‌اند. شک در مورد این مسئله را برخورد غیر علمی میدانیم، همان برخوردی می‌دانند که لایحه ما بر مسائلی که نخستین بار به آنها پرداخته می‌شود می‌کنیم. با زبانه این مسئله در انتها خواهیم پرداخت.

رزمندگان آموزش را با شرف و تمجید از خود علیه ما بیابان میبرد:

"چرا پیکار به مبارزه ایدئولوژیک مشخص ما پاسخ نداده است، هر کس که یکبار رنر شریف رزمندگان را خوانده باشد به نقش فعالی که ما در مبارزه علیه رویزیونیسم داشته‌ایم پی می‌برد... مبارزه‌ای که ما داشته‌ایم تاثیر عمده‌ای را در رشد مبارزه ایدئولوژیک در جنبش و طرح مسائل انقلاب داشته است."

و اضا ف می‌کند:

"و از این جمله است برخوردهای ما با سازمان پیکار بر روی خلق و ضد خلق، جامعه سرمایه‌داری وابسته... در همه این موارد پیکار مسئله را با سکوت برگزای می‌کند، ترجیح می‌دهد مواضع خود را مثل لباس هر روز عوض کند ولی بر سر آنها مبارزه ایدئولوژیک نکند پیکار ترجیح می‌دهد بنا به میل خود ابتدا آنها را از بن و بعد از زیر پا سخ دادن متقابل شانه خالی کند. برای پیکار مبارزه ایدئولوژیک اهمیت ندارد. اظهار بعضی مواضع، بستن آنها مات دروغین بدیگران این است که اهمیت دارد. برای آنها هیچ اهمیتی ندارد که جنبش کمونیستی بدانند که آیا رفقای پیکار با لایحه به بورژوازی ملی و غیر وابسته... در جامعه ما اعتقاد دارند یا نه، مهم آنست که با بددیگران را به هر قیمت کوبید. ما مخالف مبارزه ایدئولوژیک بر سر سوسال امپریالیسم نیستیم، اما مخالف آن هستیم که اولاً بطور غیر رفیقانه و غیر کمونیستی مسائلی را در جنبش طرح نمائیم که فقط باعث سردرگمی می‌شود (مثل انتصابات رفقای پیکار ما) و ثانیاً مسائل اصلی جنبش را مسکوت بگذاریم." (همانجا)

سپس رزمندگان غرق در شرف، تعریف از خود را به بدترین برخوردهای غیر سیاسی ممکنه می‌کشند:

"در حالیکه ما تا کنون اتحاد عمل را طرح کردیم، دفاع از میهن را در کردیم (وجه کارهای دیگر که نکردیم - پیکار)... پیکار مشغول خریدن سرخود بود، آنگاه پیکار کجا بود تا از تا کنون انقلاب دفاع کند که حالا ناگهان بنظر آمده است ما که مبارزه خود را با رویزیونیسم علی‌الخصوص در رابطه

با مسائل جنبش موفق میدانیم، رویزیو - نیستیهای جنبش هستیم. علت آنهم داشتن آنها ما تی در مورد سوسال امپریالیسم است." (همانجا)

بدین ترتیب رزمندگان در چند سطر نشان

میدهد:

- ۱ - پیکار آنها مدروغین میزند.
- ۲ - برایش مبارزه ایدئولوژیک اهمیت ندارد.

حریف بزم رزمندگان "رسوا" گشته است، هم رزمندگان "پاسخن" را داده و حمله حریف را بجواب گذاشته است و جالب اینکه رزمندگان همچنان بر تزلزلات رویزیونیستی خویش، با زیرکی هر چه تما منتر، ایستادگی نموده و حتی آنرا تعمیق نموده است!



بهمین ترتیب موضعگیری سازمان مادر بر سر سوسال امپریالیسم در کنگره اخیر برای جنبش کمونیستی ایران (و در اینجا بخش بهیگران) دارای اهمیت فراوان بود و نمیتوانست مورد استقبال آن قرار نگردد. همانطور که متقابلاً برخی از نیروها نیز بدلیل همان تزلزلات و انحراف رویزیونیستی شان نمی‌توانستند از این موضعگیری غمگین واقف و نه باشند!

آیا رزمندگان واقعا نمیدانند که تحلیل ما با بورژوازی امپریالیستی آمریکا و اروپا و سه جهانی هافرق دارد؟ آیا برای کمونیست ها حتی نیروهای متزلزلی چون "راه کارگر" روشن نیست که تحلیل نیروهای خط ۳ از سوسال امپریالیسم با تحلیل بورژوازی آمریکا و اروپا و سه جهانی هافرق دارد؟

شیوه برخورد مارکسیستی لنینیستی در مبارزه ایدئولوژیک چیست؟

گفتیم اگر مبارزه ایدئولوژیک بر متن ما بر اشکال مبارزه طبقاتی پرولتاریا و جزئی از آن نباشد، مبارزه ایدئولوژیک پرولتاری نیست، جدال روشنفکرانه است. اولین اصلی که در مبارزه ایدئولوژیک باید همواره در نظر داشت، استنتاج نکاتی است که نه در خدمت ارضای تمایلات روشنفکرانه و تنگ نظران، بلکه در خدمت گره کشی از مغلطات و مشکلات جنبش کمونیستی و انکشاف مبارزه طبقاتی پرولتاریاست این مبارزه در خدمت دفاع از پیکاری مارکسیسم لنینیسم می‌باشد. این مبارزه با نقد و طرح انحرافات ایدئولوژیک غیر پرولتاری، مواضع پرولتاری را تحکیم نموده و مبارزه پرولتاریا را ارتقاء می بخشد. این مبارزه متین طبقاتی می‌کوشد تا بورژوازی، نمایندگان فکری آن و ایدئولوژی او را بسمت شکست قطعی سوق دهد. در مبارزه ایدئولوژیک، دونوع انحراف میتواند بروز نماید: انحراف راستروانه و رویزیونیستی و انحراف چپروانه و روشنفکرانه. انحراف نوع اول در کم بهادان به مبارزه ایدئولوژیک، دردمازی و سازش، در ارزیابی راستروانه از عمق یک انحراف ایدئولوژیک، در دیدن وحدت و دیدن تضاد و...

- ۳ - برایش کوبیدن دیگران مهم است.
- ۴ - بطور غیر رفیقانه و غیر کمونیستی مبارزه ایدئولوژیک میکند.
- ۵ - مسائل اصلی جنبش را مسکوت میگذارد.
- ۶ - پیکار در موقعی که رزمندگان مشغول دفاع قهرمانانه از مارکسیسم بود، مشغول سرخاریدن بود.
- ۷ - پیکار رزمندگان را رویزیونیست میدانند.
- ۸ - رزمندگان کماکان در مورد سوسال امپریالیسم ابهام دارد.
- ۹ - موضعش در مورد سوسال امپریالیسم حتی بیشتر از پیکار روشن است.
- ۱۰ - پیکار دیگران (و از جمله رزمندگان را) که درک عمیقتری از مشکلات و ابهامات این تزد دارند به رد آن متهم می‌کند.



آخیز آموزش رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک با پیکار که "تا هکار" جنبش کمونیستی است، این است که به پیکار روا منالهم هشدار دهد:

"خشکی و جمودی تشویریک پیکار رنگ خطری است که هرگاه بدان توجه نشود در دفع بگردد. مد مات جدی بیار خواهد آمد... رفقای پیکار با این شیوه برخورد در عمل اتا کید از خود رزمندگان است) و برخلاف خواسته و نیات خود را بر رویزیونیسم می‌کشایند."

و اینچنین سابقه بیابان می‌یابد و رزمندگان حریف را که مسائل "نا مربوط و دروغی" را در باره تزلزلات رویزیونیستی رزمندگان مطرح ساخته بود از دروغ خارج میکنند. نتیجه: هم

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

خود را بروز میدهد. انحراف رویزیونیستی می - کوشد تا بین ایدئولوژی پرولتاریا و ایدئولوژی بورژوازی سازش دهد و منافع پرولتاریا را قربانی نماید. انحراف رویزیونیستی مبارزه ایدئولوژیک را اخته میکند و برای پرولتاریا را از آن میگیرد. این انحراف، شرایط تداوم انحرافات غیرپرولتاری را بوجود می آورد و زبرجسته شدن خط پرولتاری منافع عمل می آورد. انحراف نوع دوم در شکل دیگری بروز می نماید: سه آنتاگونیسم کشاندن مبارزه ایدئولوژیک، بر خورد کینه توزانه، مفرطانه و منفعت طلبانه در مبارزه ایدئولوژیک، بازی با الفاظ، تکه پرانی، تمسخر، سفسطه گری، زخم زبان زدن، تحقیر نمودن و... از جمله مشخصات این انحراف روشنفکرانه میباشد. نیروهای (بویژه در خارج از کشور) که دغدغه فکری منافع طبقاتی پرولتاریا را ندارند به این سبک از مبارزه ایدئولوژیک روی می آورند. آنان ساعتها به جدلهای روشنفکرانه پرداخته می آنگه بخوانند گری از معضلات جنبش و طبقه کارگر را نگاشتنند. این شیوه برخورد تروتسکیستی، آنتاگونیستی، سکتاریستی و آنتاگونیستی میباشد. این انحراف برای مغلوب کردن حریف به تحریف و وارونه جلوه دادن حقایق میپردازد. این انحراف در واقع سبک مبارزه ایدئولوژیک بورژوازی روی می آورد. بنظر ما رفقای رزمندگان دچار چنین سبکی در مبارزه ایدئولوژیک میباشد. آنان می - کوشند با تحریف مسائل و حملات غیررفیقانه خود را محق جلوه دهند.

کمونیستها در مبارزه ایدئولوژیک باید به شیوه پرولتاری برخورد کنند. کمونیستها فراموش نمی کنند که مبارزه ایدئولوژیک شان با دیگر نیروهای کمونیست، شیوه ای لنینی، متین، رفیقانه و وحدت طلبانه است. چه مبارزه آنان با یکدیگر همان پیرویه "وحدت، مبارزه، وحدت" است. آنان مبارزه میکنند که به وحدت دست یابند و نه اینکه با شیوه های تروتسکیستی نقش وحدت را نادیده بگیرند و صرفا مبارزه را ببینند، کمونیستها

نمی توانند با یکدیگر همان برخوردی را بنمایند که با پرولتونیستها، رویزیونیستها، بورژوازی و کلیه دشمنان طبقه کارگر صورت میدهد. اگر مبارزه ایدئولوژیک ما با نیروهای رویزیونیست آنتاگونیستی است، این امر ناشی از آنست که دوا ایدئولوژی آنتاگونیستی یعنی مارکسیسم لنینیسم و رویزیونیسم در برابر هم قرار گرفته اند. آری پیگیری در مبارزه علیه انحرافات و در همان زمان رعایت متانت پرولتاری در مبارزه ایدئولوژیک از شروط اولیه مبارزه ایدئولوژیک پرولتاری میباشد.

میکند. اما رزمندگان تمام مواردی را که ما در نوشته خود مورد نقد کمونیستی خود قرار داده ایم، نادیده میگیرند و از آنها میگذرد. رزمندگان آنگاه که انحرافات را که توسط ما بنقد کشیده شده است، بدست فراموشی می سپارند و به تحریف دست میزنند. تحریف دوزخ است:

الف - دروغپردازی آشکار، وارونه جلوه دادن نظریات دیگران، ذهنی بافی بر اساس تمايلات ذهنی خود.

ب - تکیه بر گوشه ای از واقعیت، بریدن ارتباط مطالب از یکدیگر، سر توته مطلب را زدن و بقبول

■ کمونیستها در مبارزه ایدئولوژیک باید به شیوه پرولتاری برخورد کنند. کمونیستها فراموش نمی کنند که مبارزه ایدئولوژیک شان با دیگر نیروهای کمونیست، شیوه ای لنینی، متین، رفیقانه و وحدت طلبانه است. چه مبارزه آنان با یکدیگر همان پیرویه "وحدت، مبارزه، وحدت" است. آنان مبارزه می کنند که به وحدت دست یابند و نه اینکه با شیوه های تروتسکیستی نقش وحدت را نادیده بگیرند و صرفا مبارزه را ببینند.

■ کافی است ذره ای صداقت انقلابی در کار باشد، ذره ای متانت پرولتاری در کار باشد تا از اینهمه برخورد غیرسوسیالیست، ناهنجار و تحریف آمیز خودداری نمود. آیا هر خواننده صادقی آنچه را که به کار تانکون در تحلیل از سوسیالیست امپریالیسم گفته است (چه در برخورد به فدائیان، چه در برخورد به رزمندگان، چه در ترجمه هایی که در مورد شوروی نمود) است، چه در وقایع و آمارهایی که از شوروی ارائه داده است) - اگر چه بسیار محدود است - همانسی است که در روزنامه های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و ترجمان می خواند؟!

روشن است که آنچه برای کمونیستها اهمیت حیاتی دارد مضمون مبارزه ایدئولوژیک است. اما اگر شیوه مبارزه ایدئولوژیک انحرافی و تروتسکیستی باشد این انحراف مضمون مبارزه را تحت الشعاع خود قرار میدهد. برخورد شرافت مندانه و صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک هرگز نباید تحت الشعاع منافع محدود و تنگ - نظراته قرار گیرد. برخورد شرافتمندانه و صادقانه در مبارزه ایدئولوژیک یعنی "انگانه نوشته و سند و کشف انحراف". و این سبک مبارزه ای است که ما در برخورد به رفقای رزمندگان رعایت نمودیم. مبارزه ما متکی بر "نوشته و سند" رزمندگان بوده و انحراف رویزیونیستی آنان را بصراحت اثبات

معروف "مح گیری" و "بیل گیری" نمودن، متاسفانه رفقای رزمندگان به این شیوه دست یازیدند و بجای انتقاد از خود کمونیستی، بی پروا و بسا شها مت به پرده پوشی، انتقاد دیردخته و در پیسی آن نیستند تا عمق انحراف رویزیونیستی را برملا کرده و زمینه طرد آنرا مهیا نمایند و روشن است هرگاه به بررسی ریشه ای انحراف و علل بروز آن پرداخته نشود و هرگاه در طی مبارزه ایدئولوژیک، نوع و مضمون انحراف مشخص نگردد، بیماری از مریضی نجات نخواهد یافت. عدم برخورد کمونیستی و طبقاتی به انحرافات زمینه گندیدگی و بوسیدگی را مهیا می سازد. (ادامه دارد)

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست